

• دکتر هوشنگ خسرویگی  
عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور



## شناخت و ارزیابی توصیفی منابع و مآخذ تاریخ دوره‌ی خوارزمشاهیان

### مقدمه

سلسله‌ی خوارزمشاهیان از آن دسته سلاله‌های تاریخی است که اطلاعات ما در مورد آن و به‌ویژه در مباحث غیرسیاسی آن، بسیار اندک است. این کم‌مایگی، بخشی به دلیل کوتاهی دوره‌ی استقلال این سلسله و طبیعتاً نبود مجال پرورش مورخان و نویسندگان است. بخشی نیز ظاهراً به‌واسطه‌ی عدم مقبولیت خوارزمشاهیان در میان نویسندگانی بود که تمایل به ثبت وقایع این سلسله نداشتند؛ و شاید نیز در این میان، حمله‌ی گسترده‌ی مغولان در هدم برخی از آثار نوشته‌شده در این عصر مؤثر بوده است.

## سلسله‌ی خوارزمشاهیان از آن دسته سالله‌های تاریخی است که اطلاعات ما در مورد آن و به‌ویژه در مباحث غیرسیاسی آن، بسیار اندک است

منابع و مآخذ موجود در ارتباط با تاریخ ایران را در دوره‌ی خوارزمشاهیان می‌توان جدای از ترتیب سنواتی، بدین شرح بررسی کرد:

**الف) تاریخ‌های عمومی:** که در سیر تاریخ‌نگاری خود به رویدادهای سلسله‌ی خوارزمشاهیان نیز پرداخته‌اند. از جمله شناخته‌شده‌ترین تاریخ‌های عمومی در این خصوص، الکامل فی التاریخ اثر عزالدین علی بن الاثیر است. کامل ابن اثیر، تاریخ عمومی و مفصل، به زبان عربی، و در واقع یکی از جامع‌ترین تاریخ‌های عمومی است. روش ابن اثیر، ضبط و گردآوری مطالب گذشته با شم انتقادی و دقت نظر بوده است. به همین لحاظ این اثر مورد ستایش مورخان و نویسندگان پس از او قرار گرفته است.

**نسوی** کاتب دیوان خوارزمشاهیان، شایستگی و توانمندی ابن اثیر را در ضبط دقیق و کامل وقایع ستوده است. به نوشته‌ی او، «چون در مطالعه‌ی این کتاب به اخبار سلطان سعید علاءالدین محمد بن تکش بن ایل ارسلان ابن آتش بن محمد بن نوشتکین رسیدم و در عقب شمه‌ای از ذکر تصاریف روزگار پسر سعید شهید او جلال‌الدین منکبرنی سقی‌الله تراهما و جعل‌الجنه متواهما دیدم و دانستم که از معظمت‌های امور و جلال اخبار چیزی فوت نکرده است و در نقل آن اقصایض پای از دایره‌ی صحت بدر نبرده، گفتم زهی بزرگ‌منشی نفسی که با آن که مقیم خطه‌ی شام بوده از وقایع اعلی بلاد چین و اقصی دیار هند خبر دهد و همه را علی‌التفصیل در سلک کلک کشد.»<sup>۲</sup>

اثر ابن اثیر جزو معدود آثار مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهیان و هجوم مغول است. در حقیقت، از میان نویسندگان مسلمان، سه تن یعنی ابن اثیر، جوزجانی و شهاب‌الدین نسوی، معاصر وقایع این دوران بوده‌اند. در این میان، ابن اثیر در فاصله‌ی بسیار دورتر از منطقه‌ی جغرافیایی هجوم مغولان و قلمرو حکمرانی خوارزمشاهیان می‌زیسته است. وی در این ایام در بین‌النهرین بود. اطلاعات او در مورد خوارزمشاهیان به استناد سخن نسوی، کامل و صحیح است. ولی بعید به نظر می‌رسد که وی توانسته باشد تمامی اطلاعات مربوط به این دوره را ضبط کند. از جمله آن که بسیاری از اطلاعاتی که نسوی از خوارزمشاهیان در اختیار ما می‌نهد، در اثر ابن اثیر موجود نیست. مضاف این که ابن اثیر هم‌چون دو مورخ دیگر یعنی نسوی و جوزجانی، هیچ‌یک در هنگام هجوم اولیه‌ی مغول به ماوراءالنهر، در آن منطقه نبوده‌اند و در خصوص حمله‌ی مغولان فقط بخشی از وقایع را ضبط کرده‌اند.

زیرا هر سه تن در این دوران به ترتیب در بین‌النهرین، خراسان و سرزمین کنونی افغانستان کنونی می‌زیسته‌اند. **ولی‌الدین عبدالرحمن بن محمد بن خلدون** معروف به ابن خلدون متوفی به سال ۸۰۸ ق، نیز، هم‌چون ابن اثیر، در فاصله‌ی دور از منطقه‌ی خوارزمشاهیان یعنی در تونس و شام می‌زیست. بخشی از جلد چهارم کتاب او به نام العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر، معروف به تاریخ ابن خلدون، در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان و هجوم مغولان است. وی در شرح این وقایع از اثر ابن اثیر و نیز سیرت جلال‌الدین منکبرنی اثر نسوی، سود جسته است. وی خود تصریح کرده که در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان از اثر نسوی استفاده‌ی فراوان برده است.<sup>۳</sup> با این حال او اطلاعاتی ارائه می‌دهد که گاه در این دو اثر یافت نمی‌شود.

تاریخ عمومی دیگری که مؤلف آن در خارج از حوزه‌ی حکمرانی خوارزمشاهیان می‌زیسته، **جمال‌الدین ابی‌افلج عبدالرحمن بن علی الجوزی** معروف به ابن جوزی متوفی به سال ۵۹۵ ق است. اثر وی به نام المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم، مشتمل بر مطالبی هرچند مختصر در خصوص مناسبات خوارزمشاهیان با خلفای عباسی است. از دیگر تاریخ‌های عمومی که پس از خوارزمشاهیان به رشته‌ی تحریر درآمده و اطلاعات مفیدی در این خصوص ارائه کرده

## این گونه تاریخ‌نگاری‌ها که درخصوص یک سلسله خاص به ضبط وقایع پرداخته‌اند، به لحاظ آن‌که مورخ غالباً خود ناظر به وقایع بوده و یا به زمان رویداد نزدیک بوده، می‌توانند اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار دهند

است، می‌توان به مجمل‌التواریخ و القصص از مؤلفی مجهول اشاره کرد. کتاب که تألیف سال ۵۲۰ ق است، تاریخی عمومی از ابتدای خلقت تا زمان سلطنت محمودبن محمد سلجوقی را دربرمی‌گیرد. به همین لحاظ، درخصوص برخی وقایع دوره‌ی خوارزمشاهیان پیش از زمان آتسز، می‌تواند مؤثر واقع شود. تفصیل مطالب مربوط به تاریخ سلجوقیان و اقوام ترک از نکات بارز این اثر است.

دیگر تواریخ عمومی، عمدتاً سال‌ها پس از انقراض حکومت خوارزمشاهیان نوشته شده‌اند. مؤلفان این آثار غالباً با استفاده از متون پیش از خود، به گزارش وقایع پرداخته‌اند. از جمله این تواریخ می‌توان از مجمع‌الانساب، تاریخ بناکتی، نظام‌التواریخ بیضاوی و تاریخ روضة‌الصفای میرخواند نام برد. نظام‌التواریخ اثر قاضی ناصرالدین عبدالله عمر بیضاوی، تاریخ عمومی مختصری است که وقایع را با استفاده از دیگر متون، از ابتدای خلقت تا ۶۷۴ ق گزارش کرده است. پس از او افرادی دیگر، مطالبی بر آن افزوده‌اند. از این اثر، اطلاعات اندکی می‌توان درخصوص تاریخ خوارزمشاهیان حاصل کرد. مجمع‌الانساب از محمدبن علی بن محمد شبانکاره‌ای به سال ۷۳۳ ق نوشته شده است. ارائه‌ی اطلاعاتی در یک مجموعه از خاندان‌های حکومتی ایران، از نقاط قوت این اثر محسوب می‌شود. تاریخ بناکتی یا تاریخ روضة اولی‌الالباب فی تواریخ الاکابر و الانساب اثر ابوسلیمان داودبن ابوالفضل محمدبناکتی، متوفی به سال ۷۳۰ ق است. این اثر که در اواخر سال ۷۱۷ ق نوشته شده، تاریخ عمومی از ابتدای خلقت تا جلوس سلطان ابوسعید است. بناکتی در تألیف اثر خود عمدتاً از جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله سود جسته است. بارتولد این اثر را رونویسی جامع‌التواریخ می‌داند.<sup>۴</sup>

در این میان مفصل‌ترین تاریخ عمومی فارسی، تاریخ روضة‌الصفای سیرت الامناء و الملوك و الخلفاء مشهور به تاریخ روضة‌الصفای اثر محمدبن میرخواند متوفی ۹۰۳ ق است. اثر او تاریخ عمومی مفصلی در هفت جلد است که جلد هفتم توسط نوه‌ی او، یعنی خواندمیر تألیف شده است. جلد پنجم این اثر، شرح حال سلاطین مغول تا حمله‌ی امیر تیمور است. وی در شرح این حمله، به ارائه‌ی گزارش تاریخ سلسله‌ی خوارزمشاهیان نیز پرداخته است. مؤلف در جلد آغازین، اسامی کتب زیادی را نام می‌برد که در تألیف اثر خود از آن سود جسته است. ولی احتمالاً در شرح تاریخ خوارزمشاهیان از جهان‌گشای جوینی بهره‌ی فراوان برده است. نواده‌ی او معروف به خواندمیر نیز یک تاریخ عمومی موسوم به حبیب‌السیرفی اخبار افراد بشر تألیف کرده است. اثر او که در سه مجلد است مشتمل بر حوادث عالم از ابتدای خلقت تا سال ۹۳۰ ق است و مجلدات دوم و سوم در مورد تاریخ خوارزمشاهیان حاوی اطلاعاتی اندک هستند. خواندمیر تاریخ خود را براساس گزارش متون تاریخی پیش از خود تدوین کرده و در شیوه‌ی تألیف از میرخواند، جد مادری خود، بهره جسته است.

تاریخ عمومی دیگر، طبقات ناصری اثر منهج السراج جوزجانی است. گرچه تاریخ عمومی است، ولی مهم‌ترین کتاب درخصوص تاریخ غوریان و روابط آنان با خوارزمشاهیان محسوب می‌شود. به همین لحاظ، در سطور بعدی به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

از معروف‌ترین تواریخ عمومی، تاریخ گزیده اثر حمدالله مستوفی (۶۸۰-۷۵۰ ق) است. کتاب او وقایع را از آغاز عالم تا ۷۳۰ ق در برمی‌گیرد. گرچه وی در شرح رویدادهای پیش از خود، از آثار دیگران بهره گرفته، ولی با این حال گاه اطلاعات خاصی را نیز ارائه می‌دهد.

منبع دیگر، کتاب مشهور جامع‌التواریخ از خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است. تألیف کتاب او در ۷۱۰ ق پایان یافت. همان‌گونه که از نام کتاب او مشخص است، جامع‌التواریخ، جامع‌ترین تاریخ عمومی فارسی محسوب می‌شود. اصل کتاب او مشتمل بر تاریخ قبایل مغول، زندگانی چنگیزخان و ایلخانان مغول تا غازان‌خان، تاریخ پیامبران از آدم تا آغاز اسلام، تاریخ حکومت‌های ایرانی تا حمله‌ی مغول، و نیز تاریخ اقوام و ملت‌های مختلف است. بخش‌هایی از این اثر به تاریخ خوارزمشاهیان و برخورد مغولان با این سلسله اختصاص دارد، که در بررسی تاریخ خوارزمشاهیان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۵</sup>

**ب) تاریخ‌های سلسله‌ای:** این گونه تاریخ‌نگاری‌ها که درخصوص یک سلسله خاص به ضبط وقایع پرداخته‌اند، به لحاظ آن‌که مورخ غالباً خود ناظر به وقایع بوده و یا به زمان رویداد نزدیک بوده، می‌توانند اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار دهند

## حضور نسوی در تشکیلات اداری خوارزمشاهیان، اثر او را به مجموعه اطلاعاتی ارزشمند در خصوص تشکیلات اداری خوارزمشاهیان تبدیل کرده است

در این متون گاه برخی اطلاعات تماماً حذف شده و گاه در خصوص رویدادی قلب ماهیت شده است. هم‌چنین گاه اطلاعات ارائه‌شده با تعصب نویسنده به شخص یا گروهی همراه است و یا رویداد با مبالغه شرح داده شده است. از این دست آثار در مجموع، تاکنون تنها یک اثر در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان شناخته شده است. این اثر از شهاب‌الدین نسوی و مربوط به دوره‌ی سلطنت سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه است. این موضوع، این تصور را که دیگر متون احتمالی این دوره، بر اثر حمله مغول از بین رفته‌اند، قوت می‌بخشد. زیرا این اثر و نیز برخی مجموعه منشآت باقی‌مانده، پس از فروکش کردن حملات اولیه‌ی مغولان و در سرزمین‌های دور از دسترس آنان نوشته یا تدوین شده است. قلت این‌گونه آثار از آن جا ناشی می‌شد که، گروه بسیاری از منشیان و قلم به‌دست گیرندگان حکومت خوارزمشاهیان، بر اثر حمله‌ی مغول، عرضه فنا شده بودند. نسوی وصف این موقعیت را آن‌جا که انگیزه‌ی تاریخ‌نویسی خود را بیان می‌کند به روشنی آورده است: «و تصدی این تصنیف را من متعین گشتم بر مثال جمعی که در کشتی نشینند، و به غواص نكباء کشتی در معرض غرق و فنا آید و رفتار همه قرین بلا و رفیق عنا شوند و موج دریا او را تنها به ساحل اندازد. هر آینه جز وی کسی شرح احوال کشتی در رفقا وئی نتواند کردن. والا حقیقت است که من مرد این کار و حریف این بازار نیستم.»<sup>۶</sup>

شهاب‌الدین محمد خرنزدی نسوی به حد کافی اطلاعاتی از زندگانی خود در کتاب‌هایش ارائه کرده است.<sup>۷</sup> شهاب‌الدین محمد بن احمد بن علی محمد منشی، و آن‌گونه که خود می‌گوید، شهاب‌الدین محمد خرنزدی<sup>۸</sup> معروف به نسوی، از خانواده‌های اعیانی خراسان بود؛ و خاندان او در خراسان قلعه‌ای استوار به نام خرنزد در اختیار داشتند. این قلعه در مجاورت شهر زیدر از توابع نسا در نزدیکی عشق‌آباد کنونی بود. از دو اثری که از نسوی در دست است و نیز با شناختی که از دوستان و معاشران او داریم، این‌گونه استنباط می‌شود که در ادبیات فارسی و عربی و مقدمات علوم اسلامی تبحر داشته است.<sup>۹</sup>

نسوی حداقل تا ۶۱۶ ق در خرنزد در نزد پدر می‌زیست.<sup>۱۰</sup> نسوی مدتی نایب نصره‌الدین حکمران نسا بود.<sup>۱۱</sup> اختلافات نصره‌الدین با غیاث‌الدین پیرشاه برابر سلطان جلال‌الدین موجب شد که نصره‌الدین، نسوی را به سفارت به نزد غیاث‌الدین فرستد. این سفارت آغاز خروج نسوی از نسا و مقدمه به خدمت پیوستن او به درگاه سلطان جلال‌الدین است. نسوی پس از وقایعی که بر او حادث شد، در آذربایجان به خدمت سلطان پیوست و مدتی پس از آن دیوان کتابت و انشاء به او تفویض شد.<sup>۱۲</sup> نسوی تا پایان عمر سلطان جلال‌الدین در کنار او بود.

مهم‌ترین اثر نسوی، سیرت جلال‌الدین مینکبری است. وی به همراه جوینی و جوزجانی، سه تن مورخی بودند که در هنگام حمله‌ی مغول در خراسان و ماوراءالنهر می‌زیستند و شاهد بسیاری از وقایع این دوران بوده و یا از افراد نزدیک به واقعه کسب اطلاع کرده‌اند.<sup>۱۳</sup> سیرت جلال‌الدین خوارزمشاه در حقیقت سرگذشت پسر سلطان محمد خوارزمشاه و شرح یازده سال از این دوران یعنی از آغاز حمله‌ی مغول تا مرگ سلطان جلال‌الدین است.<sup>۱۴</sup> در این میان، مؤلف در مواردی به سابقه‌ی برخی از وقایع در دوره‌های پیش از آن، یعنی زمان حکمرانی سلطان محمد اشاره دارد و اطلاعات ارزشمندی در این خصوص ارائه می‌دهد. دقت مؤلف در ضبط وقایع، نزدیکی او به دربار سلطان جلال‌الدین، ارزیابی مؤلف از وقایع، دید انتقادی و نیز قلت آثار در خصوص حکومت خوارزمشاهیان، موجب شده که اثر او جایگاهی خاص در میان منابع این دوران به‌دست آورد. به‌ویژه آن‌که، حضور نسوی در تشکیلات اداری خوارزمشاهیان، اثر او را به مجموعه اطلاعاتی ارزشمند در خصوص تشکیلات اداری خوارزمشاهیان تبدیل کرده است.

اصل کتاب توسط نسوی به زبان عربی نوشته شده و در قرن هفتم شخص ناشناسی آن را به فارسی ترجمه و تحریر کرده است. از این ترجمه ظاهراً نسخه‌ی منحصر به فردی در کتابخانه مکرمین خلیل ینانج استاد تاریخ دانشگاه استانبول، وجود داشته و در اختیار مجتبی مینوی قرار گرفته است. وی این ترجمه را با تعلیقات ارزشمندی در ۱۳۴۴ ش به چاپ رساند.<sup>۱۵</sup> متن عربی کتاب ظاهراً تا سالیان بسیاری ناشناخته ماند. به‌جز آن‌که برخی نویسندگانی چون ابن‌خلدون و ابوالفداء<sup>۱۶</sup> بخش‌های کوتاهی از آن را استفاده کردند. حتی رضاقلی‌خان هدایت که مقدمه‌ای بر اثر دیگر نسوی یعنی نفثة المصدور نگاشته است، از کتاب سیرت جلال‌الدین نامی نمی‌برد و احتمالاً از آن بی‌اطلاع بوده است. در ۱۸۹۱ م هوداس فرانسوی معلم زبان‌های



شرقی، نسخه منحصر به فرد این کتاب، موجود در کتابخانه‌ی ملی پاریس را تصحیح کرد و به چاپ رساند. نسخه مورد استفاده هوداس، استنساخ ۶۶۷ ق یعنی بیست و هشت سال پس از تألیف اصل کتاب صورت گرفته است. در ۱۹۵۳ م نیز حافظ احمد حمدی با تکیه بر چاپ پاریس، مجدداً این اثر را در مصر به چاپ رساند.<sup>۱۷</sup> متن عربی در ۱۳۲۴ ش توسط محمدعلی ناصح از روی چاپ هوداس به فارسی ترجمه شد.<sup>۱۸</sup>

متن فارسی کتاب سیرت جلال‌الدین که در قرن هفتم ق ترجمه شده در مقایسه با متن عربی آن کاستی‌هایی دارد. ظاهراً مترجم آن ترجیح داده برخی توضیحات مؤلف را ترجمه نکند و یا حذف کند. با این حال، انشای فصیح و مناسب او بهره‌مندی از این اثر را ساده و مطلوب ساخته است. بررسی متن ترجمه فارسی و عربی در کنار یکدیگر کسب اطلاعات را از این اثر مفید فایده می‌سازد.

اثر دیگر شهاب‌الدین نسوی، نفثة‌المصذور<sup>۱۹</sup> نام دارد. وی این اثر را در حدود ۶۳۲ ق پیش از تألیف سیرت جلال‌الدین و چهار سال پس از مرگ سلطان جلال‌الدین، و زمانی که در میافارقین و در درگاه ملک مظفر ایوبی مقیم بود، نگاشته است.<sup>۲۰</sup> وی اثر خود را خطاب به یکی از اعیان خراسان به‌نام سعدالدین به رشته‌ی تحریر درآورده است.<sup>۲۱</sup> کتاب نفثة‌المصذور همان‌گونه که از نام آن پیداست شرح دردها و سختی‌ها و در بدری‌هایی است که مؤلف در اواخر حکمرانی سلطان جلال‌الدین و پس از آن متحمل شده است.

گروهی از نویسندگان از جمله هدایت، قزوینی، اقبال و نیز در سال‌های اخیر ابراهیم قفس اوغلی، شهاب‌الدین محمد نسوی را با نورالدین منشی یکی دانسته‌اند.<sup>۲۲</sup> همان‌گونه که مجتبی مینوی در گزارش تحقیقی خود آورده، شهاب‌الدین محمد نسوی و نورالدین منشی دو تن بوده‌اند.<sup>۲۳</sup> نورالدین منشی نوه کریم‌الشرقی نیشابوری مدتی نیز از منشیان دیوان رسایل سلطان جلال‌الدین بود. اثری که از نورالدین منشی برجای مانده، مجموعه مکاتباتی با عنوان وسائل الرسائل و دلائل الفضائل است که به آن توجه خواهد شد.

دیگر تواریخ سلسله‌ای که در دست است، وقایع‌نامه‌هایی هستند که در خصوص تاریخ سلاله‌های معاصر آنان یعنی سلسله‌های سلجوقی، غوریان، قراختاییان کرمان، علویان طبرستان و مغولان نوشته شده است. از جمله این آثار، ملحقات کتاب تاریخ یمینی اثر عتبی است. کتاب مشتمل بر وقایع پایان دوره سامانیان و اوایل غزنویان است. پس از عتبی، در ۶۰۳ ق ابوالشرف

جرفادقانی از دبیران دوره‌ی سلجوقی این اثر را به فارسی ترجمه کرد و خاتمه‌ای بر آن نوشت، مشتمل بر شرح وقایع تا سال ۶۰۳ ق. به همین لحاظ این کتاب برای بررسی ارتباطات اداری خوارزمشاهیان و سلجوقیان و به‌خصوص روابط سیاسی این دو سلسله در اواخر حکومت سلجوقی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

از مشهورترین منابع دوره‌ی سلجوقی که برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان نیز حائز اهمیت است، می‌توان از راحة‌الصدور و آية‌الصدور اثر نجم‌الدین ابوبکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی نام برد. راوندی پس از انقراض سلجوقیان به‌دست خوارزمشاهیان، به نزد سلجوقیان روم رفت؛ و کتاب خود را در ۵۹۹ ق نوشت و به کبخسرو بن قلج ارسلان سلجوقی تقدیم داشت. این کتاب مشتمل بر وقایع سلجوقیان ایران تا پایان کار آخرین سلطان سلجوقی یعنی طغرل سوم بن ارسلان، و استیلای خوارزمشاهیان بر عراق است. شرح سیاست‌های نظامی و اداری سلطان تکش در عراق و اقدامات خوارزمشاهیان، این کتاب را به اثری مفید در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان در دوره‌ی سلطان تکش تبدیل کرده است.

در کنار کتاب راوندی، از کتاب زبدة‌النصر و نخبة‌العصره یا تاریخ سلسله‌ی سلجوقی اثر فتح‌علی بنداری می‌توان نام برد. اصل این کتاب توسط انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی (متوفی، ۵۳۲ ق)، از وزرای خلیفه عباسی المسترشد بالله و سلطان محمود و مسعود سلجوقی و با عنوان نفثة‌المصدر فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور به فارسی نگاشته شده است. اثر او شرح حوادث سال‌های ۴۴۵ تا ۵۲۹ ق را دربر گرفته است. پس از آن نجم‌الدین ابوالرجا قمی ذیلی بر آن اضافه کرد. در ۵۸۵ ق، عمادالدین، معروف به کاتب اصفهانی این اثر را به عربی ترجمه و ذیلی بر آن افزود و شرح وقایع را تا ۵۷۹ ق ادامه داد و بر آن عنوان نصره‌الفترة و عصره‌الفطرة نام نهاد. همشهری عماد، یعنی فتح‌علی بنداری از فقهای بزرگ قرن هفتم قمری، در ۶۲۳ ق این کتاب را خلاصه و بر آن زبدة‌النصره و نخبة‌العصره نام نهاد، و آن را به ملک عیسی ایوبی فرمانروای دمشق هدیه کرد. اهمیت این اثر برای تاریخ خوارزمشاهیان، اشتغال آن بر شرح روابط سلجوقیان و خوارزمشاهیان، به‌خصوص روابط سلطان سنجر با خوارزمشاهیان و نیز مناسبات تکش با سلجوقیان عراق است.

صدرالدین ابی‌الحسن علی بن السید ابی الفوارس ناصر بن علی الحسینی نیز از جمله مورخینی است که اواخر حکومت سلجوقیان را درک کرده است. وی، وقایع حکومت سلجوقی از آغاز تا پایان، و شرح رویدادهایی را که دیده در کتابی با عنوان اخبار الدولة السلجوقیه و به زبان عربی آورده است. از این جهت می‌تواند اثری مفید در مورد تاریخ خوارزمشاهیان تلقی شود. این اثر در ۱۹۳۳ م توسط محمد اقبال در لاهور چاپ شد. پس از آن مجدداً توسط دکتر محمد نورالدین تصحیح و با ترجمه رمضان علی نورالهی و با عنوان زبدة‌التواریخ اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی به چاپ رسید.

سلجوق نامه اثر خواجه امام ظهیرالدین نیشابوری (متوفی ۵۸۲ ق) و ذیل آن که توسط ابوحامد محمدبن ابراهیم نوشته شده، می‌تواند اطلاعات مختصری در ارتباط با خوارزمشاهیان در اختیار ما قرار دهد. ذیل ابوحامد در ۵۹۹ ق نوشته شده است.

آثار مربوط به سلجوقیان روم، بیشتر به دلیل روابط سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه یا سلجوقیان روم، برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان مفید است. الاوامر العالیة فی الامور العالیة به زبان فارسی اثر امیر ناصرالدین حسین (یحیی) بن محمدبن علی الجعفری الرغذی مشهور به ابن بی‌بی المنجمه از جمله این آثار است. مادر مؤلف یعنی بی‌بی منجمه ظاهراً مدتی از منجمان دربار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه بود.<sup>۱۳</sup> شرح روابط سلطان جلال‌الدین و سلجوقیان روم این اثر را برای تاریخ حکومت خوارزمشاهیان مفید ساخته است. این اثر به اهتمام عدنان صادق اوزی در ۱۹۵۶ م در آنکارا به چاپ رسید. کتاب الاوامر العالیة نیز توسط شخصی ناشناس خلاصه شده است. دکتر محمدجواد مشکور این خلاصه را که مختصر سلجوق نامه ابن بی‌بی نام دارد، به همراه گزارشی از سلاجقه‌ی روم در ۱۳۵۰ ش در تهران به چاپ رساند. اثر دیگر، تاریخ سلاجقه یا مسامره الخبر و مسایره الاخبار از محمودبن محمد آقسرای است. تاریخ سلاجقه عمدتاً شرح تاریخ سلجوقیان روم است. هم‌چنین تاریخ آل سلجوق در آناتولی اثری از مؤلفی ناشناخته است. فقط می‌دانیم که مؤلف در ۷۶۵ ق در قید حیات بوده است. این دو اثر نیز در مورد ارتباط سلجوقیان روم با سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه اطلاعات مختصری در اختیار ما قرار می‌دهند.

در باب تاریخ سلجوقیان کرمان، آثار حمیدالدین احمدبن حامد کرمانی ملقب به افضل کرمانی (ح ۵۳۰-۶۱۵ ق) به لحاظ تقارن زمانی با خوارزمشاهیان می‌تواند اطلاعاتی در خصوص تاریخ این سلسله در اختیار ما قرار دهد. احمدبن حامد کتابی با عنوان تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان داشته که اکنون در دسترس نیست. دکتر مهدی بیانی با استفاده از مطالب باقی‌مانده در نسخه‌های تاریخ سلجوقیان کرمان اثر محمدبن ابراهیم و جامع‌التواریخ حسنی اثر ابن‌شهاب، که از کتاب احمدبن حامد استفاده کرده‌اند، مجموعه‌ای گردآورده است. با این حال به حدس قاطع نمی‌توان مطالب فراهم آورده شده را

آثار مربوط به سلجوقیان روم، بیشتر به دلیل روابط سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه یا سلجوقیان روم، برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان مفید است

همان مطالب کتاب تاریخ افضل دانست. احمدبن حامد، خود ذیلی بر کتابش مشتمل بر وقایع ۶۰۲ تا ۶۱۲ ق نوشته و آن را المنصف الی بدایع الازمان فی وقایع کرمان نام نهاده است. اثر دیگر این مؤلف، عقدالعلی للموقف الاحلی نام دارد. این کتاب مشتمل بر شرح وقایع اواخر حکومت سلجوقی و ایام فترت در کرمان، آمدن ملک دینار غز به کرمان، شرح اخلاق ملوک، در ثنای صاحب قوام‌الدین وزیر و نیز در شرح احوال نویسنده است. در این میان کتاب سلجوقیان و غز در کرمان اثر محمدبن ابراهیم که منبع اصلی او کتاب بدایع‌الازمان فی وقایع کرمان احمدبن حامد بوده، نیز می‌تواند مفید واقع شود. محمدبن ابراهیم از اهالی خبیص کرمان است و مقارن با دوره‌ی شاه عباس صفوی می‌زیست.

پس از آن نیز کتابی مشتمل بر وقایع کرمان در زمان حکمرانی براق حاجب قراختایی از امرای خوارزمشاهی و جانشین او ناصرالدین منشی کرمانی در دست است. این کتاب که سمط‌العلی للحضره‌العلی‌انام دارد حوادث تاریخ حکومت قراختاییان کرمان را به‌صورت مختصر شرح می‌دهد. تألیف کتاب از ۷۱۵ ق آغاز و در اوایل ۷۱۶ ق خاتمه یافته است. انتقال سنن‌الاداری خوارزمشاهیان به حکومت قراختاییان کرمان، توانسته این اثر را به منبعی تقریباً مفید و هرچند اندک برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان مبدل سازد. مضاف آن‌که مؤلف خود در حدود ۶۹۳ ق مدتی رئیس دیوان رسائل و انشاء حکومت قراختاییان کرمان بوده است.

ارتباط خوارزمشاهیان با حکومت‌های مستقر در طبرستان، موجب شده که از دو منبع مهم درخصوص طبرستان، بتوان برای بررسی تاریخ حکومت خوارزمشاهیان استفاده کرد. بهاء‌الدین محمدبن حسن بن اسفندیار مشهور به ابن اسفندیار در ۶۰۶ ق از بغداد به ری آمد. او در کتاب‌خانه‌ی شاه رستم بن شهریار تاریخ عربی طبرستان را یافت. مدتی بعد به آمل و از آن‌جا به خوارزم رفت و نزدیک به پنج سال در خوارزم به جمع‌آوری اطلاعات در خصوص تاریخ طبرستان پرداخت. پس از آن در طبرستان به تألیف تاریخ طبرستان پرداخت و آن را در حدود ۶۱۳ ق به پایان برد. هم‌چنین مولانا اولیاءالله آملی نیز که در حدود ۷۵۰ ق می‌زیسته، به تألیف تاریخ رویان از ابتدا تا زمان خود پرداخته است. وی در اثر خود از کتاب تاریخ طبرستان ابن اسفندیار اقتباس کرده، ولی نامی از او نبرده است.

منابع تاریخی مربوط به غوریان نیز می‌توانند اطلاعات مفیدی درخصوص تاریخ خوارزمشاهیان ارائه دهند. طبقات ناصری اثر قاضی منهاج‌السراج جوزجانی مهم‌ترین منبع درخصوص تاریخ غوریان است. پدرش در دربار غوریان به شغل قضا مشغول بود. جوزجانی در هنگام حمله‌ی مغول در خراسان حضور داشت. به همین لحاظ اطلاعات جوزجانی نه تنها از جهت ارتباط غوریان با خوارزمشاهیان، بلکه از نظر گزارش حمله‌ی مغولان و تصرف قلمرو خوارزمشاهیان توسط آنان بسیار ارزشمند است. جوزجانی پس از حمله‌ی مغول به هند رفت و در حدود ۶۵۸ ق کتابش را که تاریخی عمومی بود، تألیف کرد.

علاوه بر طبقات ناصری، در خصوص تاریخ حمله‌ی مغول سه اثر دیگر در دست است که اطلاعات مفیدی در اختیار ما قرار می‌دهند. مهم‌ترین این آثار، جهان‌گشای جوینی اثر عطاملک جوینی است. جهان‌گشای جوینی در کنار آثار شهاب‌الدین نسوی و ابن اثیر، بیشترین اطلاعات را درخصوص تاریخ خوارزمشاهیان گرد آورده‌اند. خانواده‌ی عطاملک از خاندان‌های مشهور و قدیمی دیوانی در منطقه خراسان بودند و در دستگاه‌های دیوانی سلجوقیان، خوارزمشاهیان و مغولان مسئولیت داشتند. از جمله منتجب‌الدین جوینی صاحب التوسل الی الترسل از جمله افراد خاندان اوست. جد او یعنی شمس‌الدین محمد از ملازمان سلطان محمد خوارزمشاه و مستوفی دیوان او بود. در زمان فرار سلطان محمد از برابر مغولان، شمس‌الدین محمد به همراه سلطان بود.<sup>۲۵</sup> پدر عطاملک، بهاء‌الدین محمد صاحب‌دیوان نیز از حکام و شحنگان مغول در فترت بین حمله‌ی چنگیز تا ورود هولاکو به ایران بود. عطاملک جوینی مؤلف جهان‌گشا در جوانی به سلک دیوانیان پیوست و دبیر امیر ارغون شد. عطاملک پس از مرگ هولاکو به همراه برادرش شمس‌الدین محمد جوینی در خدمت اباقا باقی ماندند. وی تألیف تاریخ جهان‌گشای خود را در ۶۵۵ ق به انجام رسانید. جلد اول کتاب مشتمل بر تاریخ شروع کار چنگیزخان و فتوحات او تا انقراض خوارزمشاهیان و سلطنت اکتای قاآن و گیوک است. جلد دوم گزارش تاریخ سلاطین خوارزمشاهیان، قراختاییان و حکام مغول ایران است. جلد سوم نیز تاریخ منکوقاآن و لشکرکشی هولاکوخان به ایران را دربرمی‌گیرد. برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان، جلد اول و عمدتاً جلد دوم بسیار مورد استفاده خواهد بود. ویژگی دیگر این اثر اختصاص فصولی جداگانه به شرح احوال سلطان جلال‌الدین، یمین ملک مقطع هرات و از امرای سلطان محمد، ترکان خاتون مادر سلطان محمد، و دیگر فرزندان سلطان یعنی غیاث‌الدین، رکن‌الدین غورسانچتی و نیز شرح آغاز حکمرانی براق حاجب در کرمان است. این گزارش‌های جداگانه، اطلاعات زیادی از ساختار درونی امپراطوری خوارزمشاهی به ما می‌دهد. به‌ویژه آن‌که این گزارش‌ها همراه با دقت نظر، احاطه بر کلیه‌ی جزئیات

**ارتباط خوارزمشاهیان با حکومت‌های مستقر در طبرستان، موجب شده که از دو منبع مهم درخصوص طبرستان، بتوان برای بررسی تاریخ حکومت خوارزمشاهیان استفاده کرد**

وقایع و نیز سادگی انشای مؤلف است. افزون بر آن، جوینی از معدود مورخینی است که مقارن با سال‌های هجوم مغولان، هنگام حمله مغول در منطقه خراسان می‌زیسته و از نزدیک شاهد برخی از وقایع بوده و یا از افرادی که خود در جریان حوادث بودند، شنیده است. کتاب سیرت جلال‌الدین و به‌خصوص تاریخ جهان‌گشای جوینی تقریباً تنها منبع مورخین بعدی بوده که خواسته‌اند تاریخ خوارزمشاهیان را به رشته تحریر درآورند.

**پ) تاریخ‌های محلی:** تواریخ محلی نه‌تنها درخصوص سلاله‌های محلی می‌توانند اطلاعات ذی‌قیمتی ارائه کنند؛ بلکه منابعی ارزشمند درخصوص تشکیلات اداری ایالات و شهرها و نیز خاندان‌های محلی هستند. اهمیت این اطلاعات از آن‌جا افزون‌تر خواهد شد که بسیاری از این خاندان‌ها عمدتاً از کاربردستان اداری و محلی، در دستگاه‌های اداری مرکز یا ایالات بوده‌اند. هم‌چنین این تواریخ می‌توانند در مورد وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه در آن روزگار، گزارش‌های مطلوبی ارائه دهند.

در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان شاید مهم‌ترین تاریخ محلی برجای مانده، تاریخ بیهق اثر **ابوالحسن علی بن زید بیهقی** معروف به **ابن فندق** (ح ۴۹۰-۵۶۵) باشد. وی کتابش را در ۵۶۳ ق و پس از مرگ سنجر سلجوقی نوشت. تاریخ بیهق اثری مفید درخصوص تاریخ شهر بیهق (سبزوار) و وقایع مرتبط با این شهر است. مضاف آن‌که ابن‌فندق اطلاعات جالبی از خاندان‌های محلی شهر، که غالباً متصدی مسئولیتی بوده‌اند، ارائه می‌دهد. آثار بی‌شماری به ابن‌فندق منسوب است. ولی فقط معدودی از آثار او را در دست داریم. از جمله این آثار، کتابی با عنوان **مشارب‌التجارب و غوارب‌الغرائب** را می‌شناسیم که درخصوص تاریخ ایران بعد از آل بویه و تا زمان مؤلف تألیف شده است. این اثر از مآخذ جوینی و ابن‌اثیر بوده است.

تاریخ محلی دیگر فضائل بلخ اثر **شیخ‌الاسلام صفی‌المله و الدین ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمد بن داود واعظ بلخی** (تولد ح ۵۱۳ ق) و به زبان عربی است. کتاب در ۶۱۰ ق نوشته شده و در ۶۷۶ ق، **عبدالله محمد بن حسین حسینی بلخی** آن را به فارسی ترجمه کرد. کتاب متضمن اطلاعات سودمندی در باب تشکیلات اداری ایالات و خانواده‌های متنفذ بلخ است.

تاریخ **هرات اثر سیف‌بن محمد بن یعقوب هروی** (تولد ۶۸۱ ق) نیز وقایع هرات از حمله‌ی مغول تا حکومت ملک غیاث‌الدین از خاندان آل کرت را دربرمی‌گیرد. وی اثر خود را در ۷۳۰ ق تألیف کرد. گرچه سیف هروی برای نوشتن اثر خود از آثاری چون جوزجانی و رشیدالدین فضل‌الله بهره گرفته است، با این‌حال گاه اطلاعاتی درخصوص حوادث هرات در دوره‌ی خوارزمشاهی و نیز مقارن با حمله‌ی مغول ارائه می‌دهد که در منابع دیگر یافت نمی‌شود.

از جمله معروف‌ترین تاریخ‌های محلی، تاریخ بخارا اثر **ابوبکر محمد بن جعفر نرشخی** (۲۸۶-۳۴۸ ق) است. وی آن را در ۳۳۲ ق به عربی نوشت و به **نوح بن نصر سامانی** تقدیم کرد. در قرن ششم هجری، **ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی**، به آن دلیل که مردم رغبتی به خواندن کتاب عربی نداشتند و نیز به خواهش دوستانش، کتاب را به فارسی ترجمه و اندکی از آن را حذف کرد. ترجمه و تألیف قباوی در ۵۲۲ ق پایان یافت. در ۵۷۴ ق **محمد بن زفر بن عمر** این اثر را تلخیص و به امیر بخارا یعنی **صدر عبدالعزیز** تقدیم داشت. چندی بعد نیز مؤلفی گمنام ذیلی بر کتاب نوشت و شرح وقایع آن را به دوران هجوم مغول رساند. ذیل‌های این کتاب تا حدودی هرچند اندک اطلاعات قابل استفاده‌ای درخصوص ارتباط خوارزمشاهیان با ماوراءالنهر، به‌خصوص بخارا و سمرقند و تشکیلات اداری ایالات در این دوره ارائه می‌دهد.

تاریخ سیستان نیز کتابی به فارسی و از مؤلفی گمنام و مشتمل بر تاریخ سیستان تا ۷۲۵ ق است. انشای متفاوت اثر حکایت از آن دارد که چند نفر در نگارش این اثر دست داشته‌اند. **زرین کوب** احتمال می‌دهد بخش اول که در حدود ۴۴۵ ق نوشته شده به قلم شخصی به نام **شمس‌الدین محمد موالی** بوده و نیز **محمد بن یوسف اصفهانی** از جمله کسانی بوده که پس از آن، کتاب را تکمیل کرده است.<sup>۱۶</sup> این کتاب به اهتمام **ملک‌الشعرا بهار** به چاپ رسید. تاریخ سیستان از جهت اشتغال آن بر شرح رویدادهای سیستان، معاصر با خوارزمشاهیان، تا حدودی قابل استفاده است.

**ت) متون جغرافیایی:** متون جغرافیایی و سفرنامه‌ها، اطلاعات مفیدی درخصوص وضعیت شهرها و ایالات، اوضاع اجتماعی و فرهنگی شهرها در اختیار ما قرار می‌دهند.

تقریباً کامل‌ترین اثر جغرافیایی، **معجم‌البلدان یاقوت حموی** (۵۷۵-۶۲۶ ق) است. این مجموعه مهم‌ترین اثر جغرافیایی معاصر با خوارزمشاهیان نیز محسوب می‌شود. **یاقوت حموی** مقارن با حمله‌ی مغول در خراسان و خوارزم حضور داشت. او در اثر جغرافیایی خود، اطلاعات ذی‌قیمتی از وضعیت شهرها و نواحی تحت سلطه‌ی حکومت خوارزمشاهیان و وقایع مربوط به آغاز حمله‌ی مغولان، برای ما به‌جای نهاده است. هم‌چنین دقت و پشتکار **یاقوت** در مسافرت به بسیاری از شهرها و روستاها و کسب اطلاع از آنان، اهمیت این اثر را افزون‌تر می‌سازد. پس از او **زکریا بن محمد بن محمود قزوینی** (۶۰۵-۶۸۲ ق) در اثر

تقریباً کامل‌ترین اثر جغرافیایی، معجم‌البلدان یاقوت حموی

(۵۷۵-۶۲۶ ق) است. این مجموعه مهم‌ترین اثر جغرافیایی معاصر

با خوارزمشاهیان نیز محسوب می‌شود



جغرافیایی خود با عنوان آثار البلاد و اخبار العباد اطلاعات هرچند مختصری در خصوص نواحی امپراطوری خوارزمشاهی ارائه داده است.

از آثار جغرافیایی دوره‌ی ایلخانان مغول که می‌توانند برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان مفید واقع شوند، می‌توان از نزهةالقلوب **حمدالله مستوفی** یاد کرد. وی اثر خود را در ۷۴۰ ق تألیف کرده است. از منابع مقارن با همین ایام، از سفرنامه ابن بطوطه نیز می‌توان نام برد. ابن بطوطه در حدود ۷۲۵ ق به خوارزم، بخارا، سمرقند، بلخ، هرات، نیشابور و دیگر شهرهای ماوراءالنهر و خراسان سفر کرده است. سفرنامه او از جهت بررسی جایگاه خوارزمشاهیان در افکار عامه، سال‌ها پس از سقوط آنان، قابل توجه است.

در میان آثار جغرافیایی مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهی، یکی از آثار ارزشمند اثر **محمدبن نجیب بکران** به نام جهان‌نامه است. اهمیت این اثر تنها به دلیل مطالب جغرافیایی اثر نیست، بلکه ارزش افزون‌تر این اثر به لحاظ آن است که این اثر برای سلطان محمد خوارزمشاه نوشته شده است. محمدبن نجیب بکران کتاب خود را به زبان فارسی نوشت و آن را به سلطان محمد تقدیم کرد. وی در اثر خود، اطلاعات تاریخی و جغرافیایی مفیدی، در خصوص تاریخ خوارزمشاهیان، قراختیایان و جغرافیای ماوراءالنهر ارائه کرده است.

**ث) متون ادبی:** فرامین، احکام و مکتوبات سیاسی و اداری در مجموعه منشآت و فرامین در بررسی ساختار سیاسی و اداری حکومت‌ها بسیار مؤثر است. در صورتی که بخواهیم در معرفی این اسناد، تقدم تاریخی را رعایت کنیم، باید در آغاز از مجموعه منشآت به نام، عتبه‌الکتبه نام برد. این اثر که مجموعه مراسلات دیوانی سلطان سنجر است، توسط **مؤیدالدوله منتجب‌الدین بدیع**، **اتابک جوینی** دبیر سلطان سنجر سلجوقی، از خاندان معروف جوینی تدوین شده است. مجموعه مکتوبات منتجب‌الدین جوینی به لحاظ روابط سنجر با خوارزمشاهیان و نیز تقارن زمانی مکتوبات با دوره‌ی خوارزمشاهی، منبعی مناسب برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان به خصوص تشکیلات اداری این دوران است. جوینی در انتهای مجموعه خود دو نامه نیز از **رشیدالدین و طوطا** آورده است.

### فرامین، احکام و مکتوبات سیاسی و اداری در مجموعه منشآت و فرامین در بررسی ساختار سیاسی و اداری حکومت‌ها بسیار مؤثر است

**نامه‌های افضل‌الدین بدیل‌بن علی خاقانی** شاعر قرن ششم ق نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. خاقانی گرچه خارج از حوزه حکمرانی خوارزمشاهیان

می‌زیسته، ولی به دلیل ارتباط او با **رشیدالدین و طوطا**، صاحب دیوان انشاء آتسز، نامه‌های او می‌تواند تا حدودی مفید واقع شود.

از دوره‌ی خوارزمشاهی تاکنون منشآت سه تن از دبیران و کاتبان دیوان انشاء سلاطین خوارزمشاهی را در دست داریم. اولین آن، مجموعه مکاتبات **رشیدالدین و طوطا** است. وی حدود سی سال صاحب دیوان انشاء آتسز خوارزمشاه بود و تقرب زیادی نزد او داشت. آثار و طوطا اطلاعات گرانمایی در خصوص حکومت خوارزمشاهیان در دوره آتسز و اوایل سلطنت تکش به‌ویژه در مورد ساختار اداری حکومت خوارزمشاهیان در اختیار ما قرار می‌دهد. مهم‌ترین آثار و طوطا، منشآت اوست که به دو زبان فارسی و عربی نوشته شده است. در حقیقت منشآت **رشیدالدین**، کامل‌ترین مجموعه اطلاعات را در خصوص تشکیلات اداری حکومت خوارزمشاهیان تا پیش از دوره‌ی سلطنت سلطان تکش در اختیار ما قرار می‌دهد. خود **رشیدالدین** تعدادی از این منشآت را در دو مجموعه با عناوین **ابکار الافکار فی الرسائل و الاشعار و عرائس الخواطر و نفاثس النوادر** گرد آورده است.<sup>۳۶</sup> مجموعه عرائس الخواطر در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل ۲۵ نامه به عربی و چند رقعہ کوتاه و بخش دوم شامل ۲۵ نامه فارسی و نیز چند رقعہ کوتاه است. مجموعه **ابکار الافکار** نیز در چهار بخش تدوین یافته است. بخش اول مشتمل بر دو نامه به عربی و بخش دوم شامل ده نامه به عربی و چند قطعه است. بخش سوم نیز ده‌نامه به فارسی و بخش چهارم نیز ده قصیده به فارسی و چند قطعه و غزل و چند رباعی را دربرمی‌گیرد. این مجموعه‌ها، مشتمل بر مکاتبات با وزیر خلیفه، سلاطین و فرمانروایان معاصر خوارزمشاهیان، از جمله سلطان سنجر سلجوقی و دیگر امرا و وزرا و نیز برخی فرامین و نامه‌های خصوصی و طوطا به دوستانش است. تاریخ نگارش نامه‌ها مشخص نیست و تعیین تقدم و تأخر هر یک از نامه نیز مشکل به‌نظر می‌رسد. با این حال معلوم است که تقریباً تمام مکتوبات، مربوط به دوره‌ی آتسز خوارزمشاه است. این دو مجموعه به‌وسیله‌ی **دکتر قاسم تویسرکانی** در ۱۳۳۸ ش به چاپ رسید. از **رشیدالدین و طوطا** مکتوبات دیگری نیز به‌جای مانده است. اضافه بر دو نامه‌ای که از او در انتهای مجموعه عتبه‌الکتبه موجود است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- **عمدة‌البلغا و عدة‌الفصحا** شامل ۲۵ نامه به عربی، پنج نامه به فارسی، ۲۵ قصیده به عربی و پنج قصیده به فارسی است. نسخه خطی این مجموعه در کتاب‌خانه‌های **اسد افندی و ایاصوفیه** ترکیه موجود است، ولی تاکنون نشر نیافته است. برخی مکتوبات این مجموعه در دیگر مجموعه‌های و طوطا موجود است.

۲- مجموعه‌ای از منشآت رشیدالدین و طواط نیز در کتابخانه نور عثمانیه استانبول است. بخش‌هایی از این منشآت نیز در مجموعه‌های دیگر موجود است.<sup>۳۸</sup> ظاهراً تعدادی از منشآت رشیدالدین و طواط در موهیه آسیایی انجمن لنین‌گرا در موجود است.<sup>۳۹</sup>

۳- فتح‌نامه جند و چهار نامه کوتاه از رشیدالدین در یک مجموعه منشآت با عنوان المختارات من الرسائل نیز حفظ شده است. علاوه بر این منشآت، از رشیدالدین و طواط آثار دیگری نیز به‌جای مانده که در جای خود به این آثار اشاره خواهد شد. مجموعه منشآت بعدی با عنوان التوسل الی التوسل از بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی کاتب دیوان انشاء سلطان تکش خوارزمشاه است. این مجموعه در حقیقت مکمل اطلاعات ارائه‌شده توسط و طواط در خصوص تشکیلات اداری حکومت خوارزمشاهیان است. وراوینی این مجموعه را با عنوان رسالات بهایی معرفی می‌کند.<sup>۴۰</sup> تنوع و تعداد این مکتوبات، و نیز هم‌زمانی آن با توسعه‌ی تشکیلات اداری خوارزمشاهیان که با سقوط سلجوقیان ایران و اقتدار خوارزمشاهیان همراه بود، موجب شده که این مجموعه در میان منابع دوره‌ی خوارزمشاهی، جایگاهی خاص یابد. بهاءالدین محمدبن مؤید بغدادی، سال‌ها در دیوان انشاء سلطان تکش خوارزمشاه به کار کتابت اشتغال داشت و مدتی نیز صاحب دیوان انشاء او بود.<sup>۴۱</sup> التوسل الی التوسل در یک مقدمه و دیباچه و سه بخش تنظیم شده است. بخش اول مشتمل بر ۲۱ منشور دیوانی، فتح‌نامه و عهود است. مهم‌ترین منشور این بخش، منشور ایالات جند به نام ناصرالدین ملک‌شاه فرزند سلطان تکش است. بخش دوم شامل چهارده نامه و مثال به ملوک و دیگر فرمانروایان از جمله سلاطین غور و فرمانروایان مازندران است. بخش سوم نیز اخوانیان را دربرمی‌گیرد.

دو بخش اول این مجموعه به‌خصوص بخش اول، اطلاعات ارزشمندی در خصوص تشکیلات اداری در مرکز و ایالات در اختیار ما قرار می‌دهد و از این نظر حائز اهمیت فراوان است.

مجموعه مکتوبات دیگر، وسائل الرسائل و دلائل الفضائل نام دارد. نویسنده‌ی این مکتوبات، نورالدین منشی نوه‌ی کریم‌الشرق نیشابوری از اهالی کدکن نیشابور است. وی مدتی منشی سلطان غیاث‌الدین پیرشاه فرزند سلطان محمد خوارزمشاه بود و پس از آن به خدمت سلطان جلال‌الدین مینکبرنی پیوست.<sup>۴۲</sup> این مجموعه در چهار باب تنظیم شده است. باب اول امثله و مناشیر، باب دوم مخاطبات و مجاوبات، باب سوم مطالعات و مفاوضات وزیر که از او با عنوان خداوند عالم، خواجه‌ی جهان نام می‌برد، و باب چهارم،

### آثاری که درخصوص وزرا نگاشته شده، به لحاظ بررسی جایگاه وزارت و معرفی وزرا به‌خصوص وزرای دوره‌ی خوارزمشاهی حائز اهمیت هستند

مکتوباتی که از جانب خود به خلفا و سلاطین و مخدومان نوشته است. با این حال، نثر مصنوع نام‌ها، موجب شده که نویسنده بیش از آن که به اصل مطلب بپردازد، به حاشیه برود. به همین لحاظ، اطلاعات تاریخی کمتری در مقایسه با دیگر مکتوبات در اختیار ما می‌نهد. جوینی فتح‌نامه‌ی اخلاط را نیز به نورالدین منشی نسبت می‌دهد.<sup>۴۳</sup> ولی این فتح‌نامه در وسائل الرسائل موجود نیست.

از دیگر مکتوبات مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهیان چند نامه نیز در المختارات من الرسائل موجود است. این مجموعه شامل منشآت، فرامین و احکام دیوانی از قرون پنجم تا هفتم هجری قمری و از نویسنده‌ای ناشناس است. نام کاتب نسخه محمودبن بختیار الاتابکی و مربوط به ۱۷ محرم ۶۹۳ هـ در نسخه‌ی موجود است. عمده‌ی مکتوبات این اثر در ارتباط با اصفهان است. در این مجموعه چند نامه مربوط به دوره‌ی خوارزمشاهی وجود دارد. افزون بر وجود برخی مکاتبات رشیدالدین و طواط که به آن اشاره شد، مکتوباتی دیگر نیز در خصوص خوارزمشاهیان وجود دارد.

در بررسی تاریخی دوره‌ی خوارزمشاهی، دیگر متون ادبی چون آداب الملوک، سیر صوفیه، پندنامه‌ها، مناظرات و شرح‌حال‌ها نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. تحفة الملوک از علی بن ابی حفص بن فقیه محمود اصفهانی در همین مجموعه آثار قرار می‌گیرد. تاریخ دقیق نگارش تحفة الملوک بر ما نامعلوم است. احتمالاً مؤلف در قرن ششم قمری می‌زیسته است. بخشی از این اثر که در باب پادشاهی بحث می‌کند، در خورتوجه است. تاریخ فخری از محمدبن علی بن طباطبا معروف ابن طقطقی (۶۶۰-۷۰۹ ق) نیز از دیگر آثار مشابه است. مضاف آن که این اثر درخصوص ارتباط خوارزمشاهیان با خلفا نیز، گزارش‌های مفیدی دارد.

از دیگر منابع این دسته آثار، می‌توان به دو کتاب مفید شیخ نجم‌الدین رازی معروف به دایه (حدود ۵۷۳-۶۵۴ ق) اشاره کرد. وی قبل از شروع حمله مغول در خراسان و مدتی نیز در خوارزم می‌زیست. هنگام حمله مغول، به ری، همدان و سپس به نزد سلجوقیان روم رفت. مرصادالعباد، و مروزات اسدی دو اثر او هستند. نجم‌الدین رازی در این دو اثر، بخش‌هایی را به جایگاه سلطان و وزیر دیگر کاربدستان اداری و وظایف متقابل سلطان و رعایا و سلطان و وزرا اختصاص داده است.

آثاری که درخصوص وزرا نگاشته شده، به لحاظ بررسی جایگاه وزارت و معرفی وزرا به‌خصوص وزرای دوره‌ی خوارزمشاهی حائز اهمیت هستند. از این مجموعه آثار می‌توان از، نسائم الاسحار من لطائف الاخبار، از ناصرالدین منشی کرمانی، مربوط

به سال ۷۲۵ ق نام برد. این اثر اطلاعات ارزشمندی در مورد وزرای حکومت خوارزمشاهی در اختیار ما می‌نهد. **سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی** در اواخر قرن نهم قمری نیز گزارشات ناصرالدین منشی را با تغییراتی در کتاب خود با عنوان آثار الوزراء آورده است.

همچنین آثار ادبی که در خصوص علوم متداول عصر نوشته شده از دو جهت می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. از باب محتوای مطالب ارائه شده، و نیز از جهت مقدمه‌ای که مؤلفین بر آثار خود نوشته‌اند، که ضمن معرفی صاحب مقامی که اثر به او تقدیم می‌شود، اطلاعاتی نیز هرچند مختصر ارائه می‌دهند.

از جمله مهم‌ترین این دسته منابع، آثار رشیدالدین وطواط صاحب است. به جز آثاری که پیش از این از وطواط یاد شد، برخی دیگر از کتاب‌های چاپ شده و نشده وی به شرح زیر است:

- ۱- مطلوب کل طالب یا صد کلمه‌ی منظوم: مشتمل بر سخنان حضرت علی (ع) با شرح و توضیحات به عربی و فارسی. مقدمه‌ی این اثر در معرفی خانواده‌ی خوارزمشاهیان و القاب سلاطین خوارزمشاهی می‌تواند مؤثر واقع شود. نسخه‌ی خطی این اثر در کتابخانه‌ی ملک موجود است. این نسخه توسط محمود عابدی تصحیح و به چاپ رسیده است.
- ۲- تحفة‌الصدیق الی‌الصدیق من کلام ابی‌الصدیق: مجموعه‌ای مشتمل بر کلمات ابوبکر خلیفه اول است. برای بررسی تاریخ خوارزمشاهیان، مقدمه‌ی آن تا حدودی می‌تواند مؤثر واقع شود. نسخه‌هایی از این مجموعه، در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران و نیز کتابخانه‌های دانشگاه استانبول و ایاصوفیه موجود است.
- ۳- فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب: مجموعه‌ای از سخنان عمر بن خطاب، خلیفه‌ی دوم است. نسخه‌ی خطی این مجموعه در دانشگاه استانبول نگهداری می‌شود.
- ۴- انس اللهفان من کلام عثمان بن عفان: مجموعه‌ای از سخنان عثمان بن عفان خلیفه‌ی سوم است.
- ۵- مجموعه‌ای از سخنان رشیدالدین و به نام هفت تن از وزراء، امراء و شاهزادگان که در هفت بخش و با عناوین زیر تدوین شده است:
  - ۱-۵- غرائب الکلم فی رغائب الحکم به نام «ملک وزراء الشرق و الغرب ابی‌المفاخر قاسم بن عراق»
  - ۲-۵- عقودالثالی و سعود اللیالی به نام «قاضی القضاة خوارزم و خراسان معزالدین ابی‌المخاخر مسعود بن یوسف»
  - ۳-۵- بغیة المتکلمین و غیة المتعلمین به نام «تاج‌الدوله والدین پهلوان العرب و العجم اسفہسالار الشرق و الغرب ابی‌الفتح علی بن عمادالدین ایلخان بن خوارزمشاه»
  - ۴-۵- غررالاقوال و دررالامثال به نام سلطان شاه ابوالقاسم محمود



۵-۵- الکلم الناصحه و الحكم الصالحه به نام «عمادالدین افضی قضاة العالمین صدر صدور وزراء الشرق و الغرب»<sup>۳۴</sup>. نسخ خطی این مجموعه در کتاب خانه‌های ملی پاریس، ایاصوفیه و استانبول نگهداری می‌شود.

۵-۶- مفاتیح الحكم و مصابیح الظلم به نام «لشکرکش ایران و توران ابوعلی الحسین بن خوارزمشاه محمد»

۵-۷- جواهر القلائد و زواهر الفرائد به نام «طغرل سوم قلع اسفهلار بیک ابی شجاع محمد بن الحسن بن عبدالرحیم عماد امیرالمؤمنین» و به زبان عربی است. نسخه‌ی خطی این اثر نیز در کتابخانه‌های ملی پاریس، ایاصوفیه و استانبول و کتابخانه‌ی عمومی استانبول نگهداری می‌شود. وراوینی در مرزبان‌نامه، نام این اثر را فواید قلاید می‌نویسد.<sup>۳۵</sup> ع-رساله در عروض یا اقسام عروض شعر فارسی: نسخه‌ی خطی این اثر در کتابخانه‌ی ملک و کتابخانه‌ی شهید علی‌پاشا در استانبول موجود است.

ع-ادبیات اوزان دوبیتی: نسخه‌ی خطی این اثر نیز در کتابخانه‌ی ملک موجود است.

۸- لطایف الامثال و طرایف الاقوال: شرح فارسی ۲۸۱ مثل عربی است. این اثر به فرمان آتسز نوشته شده است. انگیزه‌ی آتسز آن بود که با فراگیری امثال عرب و به کار بردن این امثال سخنان خود را آراسته گرداند. این اثر در ۱۳۷۶ ش به چاپ رسیده است.

۹- بدایع الترسیات و روائج التسجیعات که به ابوداد سلیمان پسر آتسز پیشکش شده و به زبان عربی است. نسخه‌ی دست‌نویس آن در کتابخانه‌ی احمد ثالث استانبول نگهداری می‌شود.

۱۰- حقائق السحر فی دقائق الشعر که مشهورترین اثر رشیدالدین وطواط است. این اثر از نظر بررسی تاریخ خوارزمشاهیان اهمیت اندکی دارد. ولی از نظر ادبی، اهمیت فراوانی در آن مترتب است.<sup>۳۶</sup> رشیدالدین وطواط دیوان شعری نیز دارد که به آن اشاره خواهد شد.

معاصر با وطواط، ابوالقاسم محمد بن عمر الزمخشیری خوارزمی معروف به جلاله زمخشیری (۴۶۷-۵۳۸ ق) می‌زیسته است. وی استاد تفسیر و حدیث، نحو، لغت و علوم بلاغی بود و آثار فراوانی از جمله مقدمه‌ی الادب از او برجای مانده است که تا حدی می‌توانند در شناخت جامعه‌ی علمی این روزگار و مسائل فرهنگی و علمی آن مؤثر واقع شوند.

از دیگر اندیشمندان مشهور این روزگار، می‌توان از اسمعیل بن حسن الحسینی الجرجانی (متولد ۴۳۴ ق) پزشک معروف دوره‌ی خوارزمشاهی نام برد. وی مدتی در دربار آتسز زیست. پس از آن به مرو رفت و در ۵۳۱ ق در آنجا وفات یافت. اشتهار جرجانی به واسطه‌ی تألیف آثاری در طب است. از معروف‌ترین آثار او، ذخیره‌ی خوارزمشاهی، الاعراض الطبیعه و المباحث العلالیه را می‌توان نام برد. مقدمه‌ی این آثار تا حدودی می‌تواند در مطالعات مربوط به خوارزمشاهیان مؤثر افتد. از آثاری که در شناخت فنون دبیری بسیار مؤثر است، می‌توان از کتاب چهار مقاله اثر احمد بن علی نظامی عروضی سمرقندی یاد کرد. مؤلف، از شعرا و نویسندگان قرن ششم هجری بود و کتاب خود را به نام یکی از شاهزادگان سلسله‌ی غوریان تألیف کرد. یکی از مقالات این اثر در «ماهیت علم دبیری و کیفیت بلیغ کامل» است، که از جهت بررسی جایگاه دبیران و نحوه‌ی فعالیت آنان در این دوران می‌تواند اطلاعات مفیدی در اختیار ما نهد. همچنین، از حمیدالدین ابوبکر عمرین محمودی بلخی صاحب مقامات حمیدی می‌توان نام برد. وی از طرف سلطان سنجر مقام قضاوت بلخ را داشت. بلخی کتاب خود را در ۵۵۱ ق نوشت. مقامات حمیدی مشتمل بر بیست و چهار مقاله در مطالب ادبی است. این کتاب نه تنها از جهت آشنایی به کار دبیران مؤثر است، بلکه به لحاظ حضور مؤلف در شهرهای مختلف، می‌تواند اطلاعاتی هرچند اندک، از وضعیت اوضاع اداری این دوران ارائه دهد.

اثر بهاءالدین محمد بن حسین خطیبی بلخی مشهور به بهاء ولد پدر مولانا جلال‌الدین محمد به لحاظ معاصر بودن او با درگیری‌های غوریان و خوارزمشاهیان نیز می‌تواند تا حدودی مورد اعتنا قرار گیرد. مجموعه‌ی مواعظ و سخنان او با عنوان معارف در دست است. او اثر خود را در حدود ۶۰۳ ق نگاشته است.

کتاب تبصرة العوام فی معرفة مقالات الانام از سید مرتضی بن داعی حسنی رازی نیز به لحاظ حضور مؤلف در خوارزم تا حد اندکی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. زمان نگارش اثر حدود ۵۸۰ ق است. وی اطلاعات مختصری در خصوص جامعه‌ی خوارزم و حضور فخر رازی در این شهر ارائه می‌دهد. موضوع کتاب او نیز در معرفی فرق مختلف است که در بررسی وضعیت اجتماعی این دوران قابل اعتنا است.

فخرالدین محمد بن عمر رازی که حسنی رازی از او یاد کرده، از روحانیون و اندیشمندان مشهور دوره‌ی خوارزمشاهی است. کتاب جامع‌العلوم وی که یک دایرةالمعارف محسوب می‌شود، برای تکمیل خوارزمشاه نوشته شد. صرف نظر از آن، در این مجموعه اطلاعاتی در خصوص وضعیت علمی و مشاغل علمی این دوران قابل استخراج است. از دیگر آثار درخور توجه فخرالدین رازی در این خصوص می‌توان از مناظرات او در ماوراءالنهر، و التجبیر فی علم التعبیر نام برد.

از دیگر متون ادبی که در بررسی تاریخی دوره‌ی خوارزمشاهیان قابل توجه هستند، می‌توان به کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم از شمس‌الدین محمد بن قیس رازی اشاره کرد. مؤلف از اهالی ری بود. ولی مدت‌های طولانی در ماوراءالنهر، خراسان و خوارزم می‌زیست. در هنگام حرکت سلطان محمد خوارزمشاه به عراق برای فتح بغداد، وی جزو همراهان سلطان بود. در

زمان حمله‌ی مغول نیز، وی از خوارزم گریخت. در فرار سلطان از برابر مغولان، او در رکاب سلطان بود. قیس رازی در ۶۲۳ ق از عراق به فارس مهاجرت کرد و به خدمت اتابک سعد بن زنگی بن مودود پیوست و از ندمای او شد. گرچه کتاب قیس یک کتاب تاریخی نیست، ولی برخی مطالب آن، به خصوص مقدمه‌ی اثر، حاوی برخی خاطرات مؤلف مربوط به حمله‌ی مغول و همراهی او با سلطان است.

دیوان‌های اشعار نیز از جمله آثاری است که در بررسی‌های تاریخی می‌توانند مفید واقع شوند. مهم‌ترین دیوان شعری که در بررسی تاریخ خوارزمشاهیان قابل توجه است، دیوان اشعار رشیدالدین و طوط است. ارائه‌ی اطلاعاتی درخصوص جایگاه سلطان، صفات و وظایف این مقام، شناسایی خانواده‌ی سلطان و نیز برخی اصطلاحات اداری و اجتماعی از جمله نکات قابل اهمیت در این دیوان است. ادیب صابر ترمذی شاعر دربار سلطان سنجر سلجوقی و از دوستان رشیدالدین و طوط، نیز اشعاری در مدح آتسز دارد. وی رسول سلطان سنجر به نزد آتسز بود، ولی به فرمان آتسز و به اتهام آن که برای سلطان سنجر جاسوسی کرده است، به جیحون افکنده شد. غزنوی ملقب به اشرف (وفات ۵۵۵ تا ۵۵۷ ق)، نیز شاعر دربار غزنویان و سلجوقیان بوده و مدتی نیز نزد آتسز اقامت داشت، و او را مدح گفته است. حکیم سوزنی سمرقندی (حدود ۴۸۹ - حدود ۵۶۹ یا ۵۶۲ ق) از شاعرانی بود که ظاهراً در دربار سنجر منصبی نیز داشت. برخی اشعار او در شناخت ویژگی‌های اجتماعی این دوران مؤثر است. اثیرالدین اخسیکتی نیز از شعرای معاصر خوارزمشاهیان است. وی در فتنه‌ی غز و حوالی سال ۵۵۰ ق از خراسان گریخت و به عراق به نزد سلاطین سلجوقی رفت. در واقعه‌ی شکست سپاهیان قتلغ اینانج متحد سلطان تکش از طغرل سوم سلجوقی در ۵۹۰ ق، وی شاهد واقعه بود و شعری نیز در این مورد دارد. خاقانی شروانی نیز از شاعرانی بود که گرچه در ماوراءالنهر نمی‌زیست، ولی با رشیدالدین و طوط نوشت و خواند داشت.

همچنین از دیگر شاعران معاصر این دوران می‌توان از ظهیر فاریابی (متوف ۵۹۸ ق)، قوامی رازی، معزی، جمال‌الدین اصفهانی (متوفی ۵۸۸ ق) و عبدالواسع جبلی نام برد که اشعارشان در آشنایی با وضعیت اجتماعی جامعه‌ی معاصر خوارزمشاهیان می‌توانند مؤثر واقع شوند. از مشهورترین شاعران این دوران فریدالدین ابوحامد محمدبن ابوبکر ابراهیم عطار معروف به عطار نیشابوری است. وی ظاهراً در ۶۱۸ ق در قتل‌عام نیشابور توسط مغولان به قتل رسید. بررسی آثار او در آشنایی با وضعیت اجتماعی و فرهنگی این عصر تا حدودی مفید است. خسرونامه، منطلق الطیر، الهی‌نامه، مظهرالعجایب و مظهر الاسرار، تذکره‌الاولیا، پندنامه، مصیبت‌نامه و دیوان اشعار از جمله آثار عطار نیشابوری هستند. رفیع‌الدین لنبانی از ممدوحان سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه نیز از دیگر شاعران این دوران است. وی قصایدی در مدح آخرین سلطان خوارزمشاهی دارد. همچنین علاوه بر دیوان‌های اشعار، داستان‌ها و پندنامه‌ها نیز می‌توانند در بررسی تاریخی مؤثر واقع شوند. درخصوص دوره‌ی مورد نظر، مرزبان‌نامه تحریر سعیدالدین وراوینی قابل اشاره است. این مجموعه داستان و پند و اندرز، منسوب به مرزبان پسر شیروین از شهریاران طبرستان است که وراوینی آن را در سال‌های ۶۰۷ تا ۶۲۲ ق تحریر کرده است. کتاب دیگر، قابوس‌نامه اثر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قابوس وشمگیر زیاری است. عنصرالمعالی که از شاهزادگان خاندان زیاری و داماد سلطان محمود غزنوی بود، پندنامه‌ای برای فرزند خود نوشته است. وفات او احتمالاً در ۶۴۲ ق روی داد. با توجه به این که مؤلف خود در دستگاه غزنویان مسئولیت‌هایی داشته، برخی اصطلاحات مفید درخصوص وضعیت اداری و اجتماعی این عنصر ارائه می‌دهد. از جمله فصولی از کتاب او، اختصاص به آداب خدمت کردن به پادشاه، آداب ندیمی، آیین دبیری، شرط وزارت و سپهسالاری و... است.

همچنین تذکره‌های شعرا و شرح حال‌ها از منابعی هستند که در شناخت بزرگان و اندیشمندان و صاحب‌منصبان این دوران قابل توجه هستند. از مهم‌ترین این منابع، معجم‌الادباء اثر یاقوت حموی است. تذکره‌ی لباب‌الالباب از محمد عوفی نیز اثر قابل توجهی در بررسی این دوره است. عوفی در ۵۹۷ ق در بخارا، در ۶۰۰ ق در نسا و سال‌ها نیز در سیستان و خوارزم اقامت داشته است. در ۶۰۳ ق نیز در نیشابور و ۶۰۷ ق نیز در اسفزار و مدتی در شهرنو بین راه استرآباد به خوارزم سکنا داشت. عوفی در هنگام حمله‌ی مغول، به سند رفت. ابن فندق که شرح او پیش از این رفت، اثری نیز به نام لباب‌الانساب و الالقاب و الاعقاب دارد. این کتاب نیز در شناخت شخصیت‌های سیاسی، علمی، فرهنگی و اداری این دوران می‌تواند مفید واقع شود.

### نتیجه:

منابع موجود از دوره‌ی خوارزمشاهیان بسیار اندک است. این امر نه به آن دلیل است که نوشته‌ای وجود نداشته و یا مورخان و نویسندگان نسبت به نگاشتن حوادث اقدام نکرده‌اند، بلکه به نظر می‌رسد به آن دلیل است که بسیاری از آثار نوشته‌شده، بر اثر ایلغار مغول طعمه‌ی هدم و نابودی شده‌اند. گزارش ابعاد فاجعه‌ی ویرانی‌های ناشی از حمله‌ی مغول توسط اندک منابع موجود و یا آثاری که سال‌ها پس از حمله مغول تدوین شده‌اند، به دست ما رسیده است. بر همین اساس، بررسی تاریخ ایران در دوره‌ی خوارزمشاهیان، صرف‌نظر از اندک منابع موجود، می‌بایست براساس منابع و متون دوره‌های تاریخی قبل و بعد از سلسله، و یا سلاله‌های معاصر صورت گیرد. قلت اطلاعات ایجاب می‌کند که در این بررسی، کلیه‌ی منابع و مأخذ و متون پراکنده و حتی

با اطلاعات بسیار اندک و ناچیز نیز مورد توجه قرار گیرد.

#### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آفرایی، محمودین محمد (۱۳۶۲): **تاریخ سلاجقه با مسامره الاخبار و مسابره الاخبار**؛ مصحح دکتر عثمان توران؛ تهران: اساطیر، چ دوم.
- ۲- آملی، اولیاء الله (۱۳۸۴)، **تاریخ رویان**، به کوشش دکتر منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۶۸)، **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**، ج ۲۲ تا ۲۶، مترجم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: علمی.
- ۴- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمدبن حسن (۱۳۶۶)، **تاریخ طبرستان**، ج ۲، مصحح عباس اقبال، تهران: کلاله خاور، چ دوم.
- ۵- ابن بطوطه، شرف‌الدین ابوعبدالله محمدبن ابراهیم‌الولایی طنجی (۱۳۷۰)، **سفرنامه**، جلد ۱، مترجم محمدعلی موحد، تهران: آگاه، چ پنجم.
- ۶- ابن بی‌بی، امیرناصرالدین حسین بن محمد علی‌الجعفری الزغدی (۱۹۵۶ م)، **الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة**، به کوشش عدنان صادق ارز، آنکارا: Kurumu Basimevi.
- ۷- همان (۱۳۵۰)، **مختصر سلجوقنامه**، به کوشش دکتر محمد جواد مشکور، تهران: کتاب‌فروشی تهران.
- ۸- ابن جوزی، جمال‌الدین ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۵ ق)، **المنتظم فی تواریخ الملوک و الامم**، ج ۱ تا ۲، به کوشش دکتر سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ۹- ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۸)، **تاریخ ابن خلدون**، ج ۴، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۱۰- ابن ططقی، محمدبن علی (۱۳۶۷)، **تاریخ فخری**، مترجم محمد وحید گلپایگانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۱- ابن فندق (بی‌هقی)، ابوالحسن علی بن القاسم بن زید (بی‌تا)، **تاریخ بیهق**، مصحح احمد بهمنیار، تهران: فروغی.
- ۱۲- همان (۱۳۱۸)، **صوان‌الحکمه** (ترجمه متن عربی دره‌الاخبار و لمعه الانوار)، مترجم ناصرالدین بن عمده‌الملک منتجب‌الدین منشی بزدی، تهران: شرکت سهامی چاپ خودکار ایران.
- ۱۳- همان (۱۴۱۰ ق) **لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب**، ج ۱ و ۲، به کوشش سیدمهدی الرجایی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۱۴- ابوحامد محمدبن ابراهیم (۱۳۳۲)، **ذیل سلجوقنامه**، تهران: کلاله خاور.
- ۱۵- ادیب صابر ترمذی (بی‌تا)، **دیوان شعر**، مصحح محمدعلی ناصح، تهران: علمی.
- ۱۶- اخسیکتی، اثیرالدین (۱۳۳۷)، **دیوان شعر**، مصحح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: رودکی.
- ۱۷- اصفهان، علی بن ابی‌حنف بن فقیه محمود، (۱۳۸۲)، **تحفة الملوک**، مصحح علی‌اکبر احمدی دارایی، تهران: میراث مکتوب.
- ۱۸- افضل‌الدین ابوحامد کرمانی (۱۳۲۶)، **تاریخ افضل یا بدایع الزمان فی وقایع کرمان**، به کوشش دکتر مهدی بیاتی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۹- همان (۱۳۷۳)، **سلجوقیان و غز در کرمان**، مصحح دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کورش.
- ۲۰- همان (۱۳۵۶)، **عقد‌العلی للموقف‌العلی**، مصحح علی محمد عامری نائینی، تهران: روزبهان.
- ۲۱- افضل کرمانی، حمیدالدین احمدبن حامد کرمانی (۱۳۳۱)، **المضاف الی بدایع الزمان فی وقایع کرمان**، مصحح عباس اقبال، تهران: مجلس.
- ۲۲- **المختارات من الرسائل** (۱۳۵۵)، به کوشش ایرج افشار، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۲۳- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶)، **ترکستان نامه**، ترکستان در عهد هجوم مغول، ج ۱، مترجم کریم کشاورز، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۲۴- بغدادی، بهاء‌الدین محمدبن مؤید، (۱۳۱۵)، **التوسل الی التوسل**، مصحح احمد بهمنیار، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ۲۵- بکران، محمدبن نجیب (۱۹۶۰ م)، **جهان‌نامه**، به کوشش برشچفسکی، مسکو: فرهنگستان علوم اتحاد شوروی.
- ۲۶- بلخی، حمیدالدین ابوبکر عمر بن محمودی (۱۳۶۵)، **مقامات حمیدی**، مصحح دکتر رضا انزلی‌نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۲۷- بناکتی، محمد (۱۳۷۸)، **تاریخ بناکتی - روضه‌الولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب**، به کوشش دکتر جعفر شعار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ دوم.
- ۲۸- بنداری، فتح بن علی (۱۳۵۶)، **تاریخ سلسله سلجوقی**، مترجم محمدحسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۲۹- بیضاوی، قاضی ناصرالدین عبدالله بن عمر (۱۳۱۳)، **نظام‌التواریخ**، به کوشش بهمن میرزا کریمی، تهران: لمی.
- ۳۰- بهاء ولد، بهاء‌الدین محمدبن حسین خطیبی بلخی (۱۳۵۲)، **معارف**، ج ۱ و ۲، مصحح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: طهوری، چ دوم.
- ۳۱- **تاریخ آل سلجوق در آناتولی** (۱۳۷۷)، مصحح نادره جلالی، تهران: آینه میراث.
- ۳۲- **تاریخ سیستان** (۱۳۱۴)، مصحح ملک‌الشعراى بهار، تهران: کلاله خاور.
- ۳۳- تاریخ شاهی قراختایان (۱۳۵۵)، مصحح دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: بی‌نا.
- ۳۴- جبلی، عبدالواسع (۱۳۴۱)، **دیوان شعر**، ج ۲، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۵- جرجانی، اسمعیل بن حسن الحسینی (۱۳۴۵)، **الاعراض الطبیعه و المباحث العلانیة**، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ۳۶- همان (۱۳۴۴)، **ذخیره خوارزمشاهی**، ج ۱ و ۲، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۷- جوزجانی، منهج السراج (۱۳۶۳)، **طبقات ناصری**، ج ۲، به کوشش عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

- ۳۸- جوینی، محمد (۱۳۶۷)، **تاریخ جهانگشا**، ج ۲ و ۱، به کوشش محمدین عبدالوهاب قزوینی، تهران: دنیای کتاب، چ سوم.
- ۳۹- حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی (۱۳۶۴)، **تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام**، مصحح عباس اقبال، تهران: اساطیر، چ دوم.
- ۴۰- حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی (۱۲۸۰)، **زبدة التواریخ** (اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی)، مصحح دکتر محمد نورالدین، مترجم رمضان علی روح اللهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
- ۴۱- خاقانی، افضل‌الدین بدین بن علی (۱۳۷۵)، (۱۳۶۲)، **منشآت خاقانی**، مصحح محمد روشن، تهران: فرزانه، چ دوم.
- ۴۲- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی (۱۳۶۲)، **تاریخ حبیب‌السیبر**، ج ۳ و ۲، مصحح جلال‌الدین همایی، تهران: خیام، چ سوم.
- ۴۳- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۶۳)، **راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق**، مصحح محمد اقبال، تهران: علمی، چ دوم.
- ۴۴- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۳)، **جامع‌التواریخ**، ج ۱ تا ۴، مصحح محمدروشن و مصطفی موسوی، تهران: البرز.
- ۴۵- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۳)، **تاریخ ایران بعد از اسلام**، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ۴۶- زمخشری خوارزمی، جلاله (ابوالقاسم محمود بن عمر) (۱۳۴۲)، **مقدمه الادب**، ج ۱، به کوشش سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۷- سوزنی، سمرقندی، محمد بن علی (۱۳۳۸)، **دیوان شعر**، مصحح دکتر ناصرالدین شاه حسینی، تهران: امیرکبیر.
- ۴۸- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۶۳)، **مجمع‌الانساب**، مصحح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- ۴۹- عتبی، ابونصر محمد بن عبدالجبار (۱۳۷۴)، **تاریخ یمینی** (ترجمه تاریخ یمینی)، مصحح دکتر جعفر شعار مترجم، ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۵۰- عروضی سمرقندی، احمد بن علی نظامی (۱۳۶۸)، **چهارمقاله**، مصحح محمد قزوینی، تهران: طهوری.
- ۵۱- عقیلی، سیف‌الدین حاجی بن نظام (۱۳۶۴)، **آثارالوزراء**، مصحح میرجلال‌الدین حسین ارموی (محدث)، تهران: اطلاعات.
- ۵۲- عنصرالمعالی کیکاووس (۱۳۶۸)، **قابوس‌نامه**، غلام‌حسین یوسفی، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۵.
- ۵۳- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۶۱)، **تذکره لباب الالباب**، مصحح محمد عباسی، تهران: فخر رازی.
- ۵۴- همان (۱۳۷۴)، **جوامع‌الحکایات تاریخ ایران و اسلام**، مصحح دکتر جعفر شعار، تهران: سخن.
- ۵۵- غزنوی، سید حسن (۱۳۶۲)، **دیوان شعر**، مصحح سید محمدتقی مدرس رضوی، تهران: اساطیر.
- ۵۶- فاریابی، ظهیر (۱۳۳۷)، **دیوان شعر**، به کوشش تقی بینش، مشهد: باستان.
- ۵۷- فخر رازی، فخرالدین محمد بن عمر (۱۳۵۴)، **التحجیر فی علم‌التعبیر**، مصحح ایرج افشار، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۵۸- همان (۱۳۲۳)، **جامع‌العلوم**، به کوشش میرزا محمدخان ملک‌الکتاب، بمبئی، مظفری.
- ۵۹- قزوینی، زکریا بن محمد بن حود (۱۳۷۳)، **آثارالبلاد و اخبار‌العباد**، مصحح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- ۶۰- قفس اوغلی، ابراهیم (۱۳۶۷)، **تاریخ دولت خوارزمشاهیان**، مترجم دکتر داود اصفهانیان، تهران: گستره.
- ۶۱- قوامی رازی (۱۳۳۴)، **دیوان شعر**، مصحح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: سپهر.
- ۶۲- یس رازی، شمس‌الدین محمد (بی‌تا)، **المعجم فی معاییر اشعار‌العجم**، مصحح محمدین عبدالوهاب قزوینی و مقابله مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۶۳- لبناتی، رفیع‌الدین (۱۳۶۹)، **دیوان شعر**، به کوشش تقی بینش، تهران: پازنگ.
- ۶۴- **مجم‌التواریخ و القصص** (۱۳۱۸)، به کوشش محمد رضائی، تهران: کلاله خاور، چ دوم.
- ۶۵- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴)، **تاریخ گزیده**، به کوشش دکتر عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- ۶۶- همان (۱۳۶۲)، **نزه‌القلوب**، مصحح گای لسترینج، تهران: دنیای کتاب.
- ۶۷- معزی، محمدین عبدالملک نیشابوری (۱۳۱۸)، **دیوان شعر**، به کوشش عباس اقبال، تهران: اسلام.
- ۶۸- منتجب‌الدین جوینی، مؤید‌الدوله (۱۳۲۹)، **عتبه‌الکتابه - مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر**، به کوشش محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران: شرکت سهامی چاپ.
- ۶۹- منشی، نورالدین (۱۳۸۱)، **وسائل‌الرسائل و دلائل‌الفضائل**، مصحح رضا سمیع‌زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۷۰- منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۲۸)، **سمط‌العلی للحضرة‌العلیاء در تاریخ قراختایان کرمان**، مصحح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- ۷۱- همان (۱۳۶۴)، **نسانم‌الاسحار من لطانم‌الاکخبار در تاریخ**، مصحح میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، تهران: اطلاعات، چ دوم.
- ۷۲- میرخاند، میرمحمد بن سید برهان‌الدین خواندشاه (۱۳۳۹)، **تاریخ روضه‌الصفا**، ج ۴، تهران: مرکزی - خیام - پیروز.
- ۷۳- نجم‌الدین رازی (۱۳۵۲)، **مرصاد‌العباد**، به کوشش دکتر محمد امین ریاحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۷۴- همان (۱۳۵۲)، **مرموزات‌اسدی در مرموزات‌داودی**، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، دانشگاه مک‌گیل.
- ۷۵- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳)، **تاریخ‌بخارا**، مصحح مدرس رضوی، مترجم ابونصر احمدین محمد نصر قبادی، تهران: توس، چ دوم.
- ۷۶- نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۴)، **بازنامه**، مصحح علی غروی، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ۷۷- نسوی، شهاب‌الدین محمد خرنزی زیدری (۱۳۶۵) **سیرت جلال‌الدین مینکبرنی**، مصحح مجتبی مینوی، تهران: علمی و فرهنگی، چ دوم.
- ۷۸- همان (۱۳۶۶)، **سیره جلال‌الدین یا تاریخ جلالی**، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبری، مترجم محمدعلی ناصح، تهران: سعدی، چ دوم.

- ۷۹- همان (۱۳۴۳)، **نفته‌المصدر**، مصحح دکتر امیرحسین یزدگردی، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- ۸۰- نیشابوری، ظهیر الدین (۱۳۳۲)، **سلجوق‌نامه** (به همراه ذیل محمدبن ابراهیم سلجوق‌نامه اثر ابوحامد)، تهران: کلاله خاور.
- ۸۱- واعظ بلخی، ابوبکر عبدالله بن عمر بن محمدبن داود (۱۳۵۰)، **فضایل بلخ**، مصحح عبدالحی حبیبی، مترجم عبدالله بن محمدبن محمدبن حسین حسینی بلخی، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۸۲- وراوینی، سعدالدین (۱۳۵۵)، **مرزبان‌نامه**، مصحح محمدروشن، ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- ۸۳- وطواط، رشیدالدین محمدعمری کاتب بلخی، **ابیات اوزان دوبیتی**، نسخه خطی شماره ۴۹۰، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۸۴- همان، **اقسام عروض شعر فارسی**، نسخه خطی شماره ۲۲۸۱، کتابخانه ملک.
- ۸۵- همان، **تحفه الصدیق من کلام ابی الصدیق**، نسخه خطی شماره ۹۴۷/۷، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۸۶- همان (۱۳۳۹)، **دیوان شعر**، مصحح سعید نفیسی، تهران: بارانی.
- ۸۷- همان (۱۳۶۲)، **حدائق السحر فی دقایق الشعر**، مصحح عباس اقبال آشتیانی، تهران: سنایی و طهوری.
- ۸۸- همان، **صد کلمه منظوم یا مطلوب کل طالب**، نسخه خطی شماره ۴۳۷۹، کتابخانه ملک.
- ۸۹- همان (۱۳۷۶)، **لطایف الامثال و طرایف الاقوال**، مصحح حبیبه دانش‌آموز، تهران: میلرات نشر مکتوب.
- ۹۰- همان (۱۳۶۵)، **مطلوب کل طالب**، مصحح محمود عابدی، قم: بنیاد نهج‌البلاغه.
- ۹۱- همان (۱۳۳۸)، **نامه‌های رشیدالدین**، مصحح دکتر قاسم تویسرکانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۹۲- هروی، سیف‌بن محمدبن یعقوب (۱۳۵۲)، **تاریخ‌نامه هرات**، مصحح محمدزبیر الصدیقی، به کوشش خان‌بها در خلیفه، تهران: خیام، ج دوم.
- ۹۳- یاقوت حموی بغدادی، شهاب‌الدین ابی‌عبدالله (۱۳۲۹ ق)، **معجم‌الادبا**، مجلدات مختلف، بیروت: احیاء التراث العربی.
- ۹۴- همان (۱۳۹۷ ق) **معجم‌البلدان**، مجلدات مختلف، بیروت: دارصادر.

**پی‌نوشت:**

- ۱۶ - همان؛ ۱۳۶۵: صفحه، «یح»
- ۱۷ - همان؛ ۱۳۶۶: مقدمه، ۹؛ همان؛ ۱۳۶۵: مقدمه، «یح»
- ۱۸ - این اثر در ۱۳۶۶ ش تجدید چاپ شد.
- ۱۹ - نفته‌المصدر به معنی خلطی است که مبتلا به درد سینه از سینه بیرون می‌آفتد و مجازاً به سخنی اطلاق می‌شود که از شکوه و اندوه و ملال‌دل و تمایلات درونی برمی‌خیزد و گوینده با ادای این سخن راحت و آسوده می‌شود. درد دل، گله و شکایت از روزگار.
- ۲۰ - نسوی، ۱۳۴۳: ۱۰، ۱۱۶
- ۲۱ - همان؛ ۱۳۴۴: مقدمه هفتاد و نه
- ۲۲ - همان؛ ۱۳۴۳: مقدمه ۸۳؛ قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۱۷
- ۲۳ - نسوی، ۱۳۶۵: مقدمه، «تج»؛ همان؛ ۱۳۴۳: مقدمه ۸۳
- ۲۴ - ابن بی‌بی، ۱۳۵۰: ۱۹۶
- ۲۵ - جوینی، ۱۳۶۷: ۱۳۴/۱
- ۲۶ - زرین‌کوب، ۱۳۴۳: ۵۳
- ۲۷ - وطواط، ۱۳۳۵: ۲-۳، ۶۹
- ۲۸ - قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۱۳: ۹
- ۲۹ - وطواط، ۱۳۶۲: مقدمه «مو»
- ۳۰ - مرزبان‌نامه ۱۳۵۵: ۷/۱
- ۳۱ - بغدادی، ۱۳۱۵: ۴، جوینی، ۱۳۶۷: ۲۳/۲
- ۳۲ - منشی، ۱۳۸۱: ۲۰۸-۲۱۲
- ۳۳ - جوینی، ۱۳۶۷: ۱۷۷/۲
- ۳۴ - وطواط، ۱۳۳۸: مقدمه، ۶۳
- ۳۵ - وراوینی، ۱۳۵۵: ۶
- ۳۶ - وطواط، ۱۳۶۲: مقدمه «الف»
- ۱ - از جمله منابعی که در مورد خوارزمشاهیان بوده و از میان رفته است می‌توان به شاهنشاهنامه اثر **محمد پاییزی** (عوفی، ۱۳۶۱: ۳۴۵؛ تاریخ خوارزمشاهی اثر **سید صدرالدین نیشابوری**، مشارب التجارب از ابن فندق، تاریخ خوارزم از ارسلان خوارزمی، رساله‌العاصمیه از شهاب‌الدین سهروردی و رساله‌های شهنشاه‌نیشابوری اشاره کرد (جوینی، ۱۳۶۷: ۱/۲؛ قفس اوغلی، ۱۳۶۷: ۷). ابن فندق از وجود اثری به‌نام تاریخ خوارزم تصنیف **السری بن دلویه** یاد کرده است (بی‌تا: ۲۱). نسوی نیز یادآور می‌شود که «طایفه‌ای از افاضل شرق که ایشان صنعت خطی و از بلاغت سهمی بوده است» اخبار خاندان خوارزمشاهیان را تألیف کرده‌اند (۱۳۶۵: ۵).
- ۲ - ۱۳۶۵: ۴
- ۳ - ۱۳۸۶: ۱۸۶، ۲۰۲، و...
- ۴ - ۱۳۸۶: ۱۳۴/۱
- ۵ - ۱۳۶۵: ۶
- ۶ - همان‌گونه که خواهد آمد برخی از پژوهشگران نسوی را با نورالدین منشی به اشتباه یکی دانسته‌اند.
- ۷ - ۱۳۶۵: ۳
- ۸ - نسوی، ۱۳۶۶: ۹۴-۹۵
- ۹ - همان؛ ۱۳۶۵: ۴۵، ۸۰
- ۱۰ - همان؛ ۱۳۶۵: ۴۵، ۸۰
- ۱۱ - همان؛ ۱۳۶۶: ۹۴، ۹۶
- ۱۲ - همان؛ ۱۳۶۶: ۹۵-۹۹
- ۱۳ - همان؛ ۱۳۶۶: ۲۱۰-۲۱۲
- ۱۴ - همان؛ ۱۳۶۵: ۵
- ۱۵ - مو، ۱۳۶۵: ۴